

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

منبر مکتوب با موضوع

نمونه ای از فضائل امام جواد (سلام الله علیه)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ...

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحِجَّةُ ابْنَ الْحَسَنِ...

دوران امامت:

«امام جواد - علیه السلام - پیشوای نهم شیعیان در سال ۲۰۳ هـ. ق پس از شهادت پدر بزرگوارش امام رضا - علیه السلام - در سن هشت سالگی، به تصریح پیشوایان گذشته و با تعیین امام رضا - علیه السلام - عهده دار امامت شد. بیشتر عمر ۲۵ ساله حضرت یعنی ۱۷ سال دوران امامت او با زمامداری مأمون (۲۱۸-۲۰۳) و معتصم (۲۲۰-۲۱۸) مصادف بود.»

از آنجا که امام جواد - علیه السلام - در سن کودکی به امامت رسید بعضی از شیعیان، در امامت آن جناب تأملی داشتند تا آنکه علماء و افاضل و اشراف شیعه از اطراف عالم متوجه حج گردیدند و بعد از مناسک حج به خدمت آن حضرت شرفیاب شده و از مشاهده فضائل و معجزات و کرامات ایشان اقرار به امامت آن منبع سعادت نمودند و رنگ شبهه از آئینه خاطرات خود زدودند، در اینجا به برخی از فضائل و کرامات آن حضرت اشاره می کنیم.



فضائل امام جواد - علیه السلام - را می توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱. فضائل علمی

۲. فضائل اخلاقی

۱. فضائل علمی امام - علیه السلام

امام جواد - علیه السلام - از دو جهت به مناظرات علمی کشانده می شد.

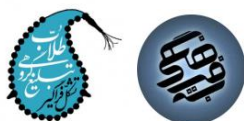
نخست: از طرف شیعیان خود که با توجه به سن کم آن حضرت می خواستند علم الهی را دریابند.

دوم: از طرف حکومت، به ویژه مأمون و معتصم، دو خلیفه معاصر آن حضرت. خلفا می کوشیدند با تشکیل مناظره، شیعیان را رو در روی برخی از دانشمندان بنام زمان قرار دهند تا شاید در پاسخ برخی از پرسشها درمانده شوند و شیعیان از این رهگذر، در اعتقاد خود (وجود علم الهی نزد ائمه اهل بیت علیهم السلام) دچار مشکل شده و از پیروی آنها دست بردارند ولی در همه این بحثها و مناظرات علمی، حضرت جواد - علیه السلام - با پاسخهای قاطع و روشنگر، اعتقاد و اطمینان کامل شیعیان به امامت آن حضرت را تثبیت کرد و ابرهای تیره ابهام و شبهه را از فضای فکر و ذهن آنان کنار زد و خورشید حقیقت را آشکار ساخت.

از جمله مناظرات آن حضرت به مناظره با یحیی بن اکثم [۱] اشاره می کنیم:

«با حضور عباسیان و مأمون، یحیی بن اکثم از حضرت جواد - علیه السلام - پرسید: مُحَرَمی که حیوانی را کشته، وظیفه اش چیست؟ امام در جواب از وی پرسید: آیا فرد مُحَرَم، صید را در حرم کشته یا بیرون از آن؟ آیا مُحَرَم جاهل به حکم بوده یا عالم به حکم؟ آیا عمداً آن را کشته یا به خطا؟ آیا مُحَرَم آزاد بوده یا برده؟ آیا بالغ بوده یا نابالغ؟ هنگام رفتن به مکه آن را کشته یا در موقع بازگشت؟ صید از پرنندگان بوده یا غیر از آن؟ صید کوچک بوده یا بزرگ؟ مُحَرَم اصرار بر عمل خود دارد یا از کرده خود پشیمان است؟ در شب صید را کشته یا در روز؟ مُحَرَم در حال عمره بوده یا حج؟ [۲]»

با این فروزی که امام جواد - علیه السلام - برای مسأله طرح کرد، یحیی حیرت زده و درمانده شد تا جایی که همه حضار از رنگ باختن چهره اش شکست او را به وضوح دریافتند. آنگاه امام از یحیی بن اکثم پرسید: مرا از مردی خبر بده که زنی در اوایل صبح بر او حرام بود، روز که بالا آمد آن زن بر وی حلال شد و در هنگام ظهر دوباره بر او حرام گردید و در موقع عصر حلال شد و در موقع عشاء حلال و در نیمه شب باز بر او حرام و در هنگام طلوع آفتاب حلال شد؛ مسأله این زن چیست؟ و



چگونه بر او حلال و حرام می شود؟ - یحیی گفت: به خدا سوگند که من جواب این مسأله را نمی دانم شما بفرمایید تا یاد بگیرم.

حضرت فرمود: این زن کنیز شخصی دیگری بوده که بر این مرد حرام بود، روز که بالا آمد کنیز را از صاحبش خریداری کرد و حلال شد. ظهر او را آزاد کرد و بدین جهت بر او حرام شد. عصر با او ازدواج کرد و حلال شد. هنگام غروب او را اظهار [۳] کرد و در نتیجه بر او حرام شد و در وقت عشاء کفاره اظهار داد و دوباره بر وی حلال شد، نیمه شب او را طلاق داد و به این علت حرام شد؛ صبح رجوع کرد و دوباره بر او حلال شد.

مأمون بار دیگر در مقابل دانش امام اظهار شگفتی کرد و گفت: کمی سن مانع از کمال عقل برای این خاندان نمی شود [۴].»

علم امام جواد - علیه السلام - به قصد و نیت اشخاص

«محمد بن حمزه از محمد بن علی هاشمی نقل کرده که او گفت: صبح روز ازدواج امام جواد - علیه السلام - با ام الفضل بر او وارد شدم و به علت دارویی که شب قبل خورده بودم عطش مرا فرا گرفته بود ولی از حضرت خجالت کشیدم آب طلب کنم، امام به صورتم نگاهی کرد و فرمود: خیلی تشنه ای درست است؟ گفتم: بله حضرت به غلامش فرمود آب بیاور من با خودم فکر کردم الان برایم آب زهرآلود می آورد، غلام آب را آورد حضرت لبخندی زد پس آب را از غلام گرفت و مقداری نوشید سپس به من داد و من نوشیدم، مدت زیادی نزد حضرت ماندم، دوباره تشنه ام شد حضرت بار دیگر آب طلبید و همان کاری را که دفعه اول انجام داده بود انجام داد. محمد بن حمزه گفت که محمد بن علی هاشمی به من گفت: به خدا سوگند ابو جعفر - علیه السلام - آنچه را در دلها باشد می داند همچنانکه شیعیان می گویند [۵].»

فضائل اخلاقی امام جواد - علیه السلام

برخورد با مردم:

از میان القاب امام جواد علیه اسلام دو لقب «التقی و الجواد» مشهورترین القاب است که خود دلیل بر این است که آن حضرت در دوران نوجوانی و دوران پذیرش مسئولیت امامت و جوان بودن در هنگام شهادت، به صفت پارسایی آراسته بوده و خدمت رسانی و سخاوتمندی نسبت به مردم و اطرافیان کار همیشگی او بوده است.

کارنامه امام در سه سال حاضر نبودن پدر در مدینه و ارجاع امور دینی و اجتماعی و خانوادگی توسط امام هشتم به وی، گواه کاردانی و جامعیت و فضیلت امام نهم می باشد.



«امام هشتم به آن حضرت توصیه کرد ورود و خروج تو از درب بزرگ باشد، به همراه خود طلا و نقره داشته باش و کمتر از پنجاه دینار به عموهای خود عطا نکن، انفاق کن و از فقر هراسناک مباش که قدرت الهی با تو است و امام جواد - علیه السلام - طبق توصیه پدر بزرگوارش عمل می کرد [۶].»

مشکل گشایی:

بهره‌گیری از فرصت برای رفع مشکلات مردم و گره گشایی از کار آنان از مسلمات سیره امام جواد - علیه السلام - است؛ چنان که «مردی از اهالی سجستان خراسان در سفر حج به محضر امام رسید و از بدهی خود در دیوان والی شهر خود صحبت کرد و اعلام داشت که والی سرزمین ما، شما خاندان پیامبر را دوست دارد، با نامه ای از وی بخواهید در خراج (مالیات) به من احسان نماید حضرت کاغذی گرفت و مکتوب نمود «رساننده نامه مدعی است شما عقیده شایسته ای دارید، پس به وی احسان نما» با ورود به سجستان، والی به دلیل اطلاع از نامه امام به استقبال وی آمد و پس از پرسش از مشکل او، مالیات را بخشید و کمک مناسبی نیز به او کرد [۷].»

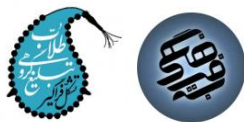
نمونه هایی از معجزات و کرامات حضرت جواد - علیه السلام

سبز شدن درخت:

« ۱. هنگامی که امام جواد - علیه السلام - با ام الفضل همسر خود از بغداد به مدینه مراجعت می فرمود در کوفه به خانه مسیب رسید و آن هنگام غروب آفتاب بود پس حضرت داخل مسجد شد و در صحن مسجد درخت سدري بود که میوه نمی داد، حضرت کوزه آبی طلبيد و در زیر آن درخت وضو گرفت و نماز مغرب را به صورت جماعت به جا آورد... سپس وقتی که مردم کنار درخت آمدند و دیدند که میوه بسیار خوبی دارد تعجب کردند و از سدر آن خوردند، دیدند که شیرین است و دانه ندارد، سپس مردم با آن حضرت وداع کردند و ایشان به مدینه تشریف بردند [۸].»

خبر از تفکر من:

۲. از حسین مکاری نقل شده که گفت زمانی که امام محمد تقی - علیه السلام - در بغداد بود وارد بغداد شدم، دیدم که حضرت نزد خلیفه در نهایت جلالت است با خودم گفتم که حضرت جواد - علیه السلام - با این مقام و مرتبه ای که اینجا دارد و از حیث جلال و طعام های لذیذی که در اختیار دارد، دیگر به مدینه بر نخواهد گشت، همین که این خیال در خاطر من گذشت دیدم آن جناب سر به زیر افکند، سپس سر بلند کرد در حالی که رنگ مبارکش زرد شده بود فرمود: ای حسین



نان جو با نمک نیم کوب در حرم رسول خدا - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ أَلِهِ - نزد من بهتر است از آن چه که در اینجا مشاهده می کنی [۹].»

طلا شدن خاک:

« ۳. از اسماعیل بن عباس هاشمی نقل شده که گفت: روز عیدی خدمت حضرت جواد - علیه السلام - رفتم و از تنگی معاش خود نزد حضرت شکایت کردم، آن حضرت از محل نماز خود یک مشت خاک برداشت، خاک به برکت دست آن حضرت پاره طلائی گداخته شد پس آن را به من عطا کرد و من به بازار بردم که ۱۶ مثقال بود [۱۰].»

پی نوشتها:

[۱] یحیی یکی از دانشمندان نامدار زمان مأمون، خلیفه عباسی، بود که شهرت علمی او در رشته های گوناگون علوم آن زمان زبانزد خاص و عام بود.

[۲] شیخ مفید، الارشاد، کنگره جهانی شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۸۳.

[۳] اظهار عبارت از این است که مردی به زن خود بگوید: پشت تو برای من مانند پشت مادرم یا خواهرم یا دخترم است، در این صورت باید کفاره اظهار بدهد تا همسرش مجدداً بر او حلال گردد.

[۴] فضل بن حسن طبرسی، إعلام الوری، قم، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ص ۳۵۳.

[۵] شیخ مفید، الارشاد، چاپ کنگره جهانی شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۹۱.

[۶] محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ش، ج ۴، ص ۴۳.

[۷] همان، ج ۵، ص ۱۱۱.

[۸] علی بن عیسیٰ اربلی، کشف النعمه، تبریز، مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱ش، ج ۲، ص ۳۵۷.

[۹] قطب الدین راوندی، الخرائج و الجرائح، قم، مؤسسه امام مهدی (عج)، چاپ اول، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۸۳.

[۱۰] همان.

